

راهبرد آمریکا در ایران؛ از کاپیتولاسیون تا نفوذ فرهنگی

۲۳ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۳۱

در مقابل پروسه نفوذ آمریکایی ها و در تاریخ نفوذ استعمارگران اروپایی جامعه ایرانی نه تنها بی تحرک نبوده، بلکه گاهی با هوشیاری و غیرت در مقابل این دسیسه ها ایستاده است. حرکت حضرت امام خمینی(ره) در اعتراض به کاپیتولاسیون و انجمن های ایالتی و ولایتی مشت نمونه خرواری از این قیام هاست

حسین مولائی - جوان و تاریخ

بدبینی نسبت به اقدامات و سیاست های آمریکا با توجه به تلاش آنان برای نفوذ در ایران، دارای سابقه های تاریخی و ابعاد بسیار وسیعی است. نفوذ در ساختار حکومت و به تبع آن تاثیرگذاری بر سیاست داخلی و خارجی دولت ها، یکی از ابزارهای استعمارگرایان برگرفته از فرهنگ برتری طلبی و سلطه جویانه آنان دارد. این رویه در منطق استعمارگران پرتغالی، انگلیسی و قرارداد ننگین ترکمنچای روسی نیز به عینه دیده می شود. اما داستان سلطه جویی و استعمار نوین آمریکایی، داستان متفاوتی است که با نحوه ورود به کشورمان ارتباط مستقیمی دارد.

آمریکایی ها در حالی وارد ایران شدند که شعار آنها، برابری کشورها و رعایت قواعد بین المللی بود. آنان اینطور القاء می کردند که آمده اند به دوران استعمار خاتمه دهند و حامی اصول نوین و انسانی خود باشند و... اما بر خلاف شعارهای خود، قواعد استعماری دوران استعمار را در قالبی دیگر احیاء کردند و ابعاد دیگری بر سلطه جویی و استعمار را نمایان کردند.

اگر تا پیش از نفوذ آمریکا، استعمارگران سلطه نظامی و نفوذ امنیتی را مدنظر داشتند، آمریکایی ها با زیرکی تمام، نفوذ نظامی را با نفوذ فرهنگی و تهاجم فرهنگی در هم آمیختند و سلطه گری را یک مرحله به پیش بردند.

پروسه سلطه جویی آمریکا در ایران، برنامه مستمری بود که از لحظه ورود آمریکایی ها به ایران آغاز شد. پس از جنگ جهانی دوم و ظهور ایالات متحده به عنوان ابرقدرت جدید، آنان میل به توسعه طلبی خود را افزایش دادند و خاورمیانه را بخشی از حیات خلوت خود قلمداد کردند. با ورود آمریکایی ها به ایران، قوام السلطنه نخست وزیر وقت ایران، امتیازات قضایی و امنیتی به آمریکایی ها داد.

اولین دسته از نیروهای نظامی آمریکا تحت عنوان «میسوین نظامی»، در آذر ۱۳۲۱ همزمان با دوره نخست‌وزیری قوام‌السلطنه با مصونیت‌های قضایی وارد ایران شدند.

در دوران حکومت سهیلی نیز قراردادهای دیگری در زمینه استخدام مستشاران آمریکایی، به بهانه اصلاح سیستم اداری ارتش به امضا رسید که هریک از آن‌ها دربرگیرنده امتیازات خاصی برای نظامیان آمریکایی بود. [۱]

اما نقطه اوج این امتیازدهی‌ها، به دوران نخست‌وزیری حسنعلی منصور و اسدالله علم مربوط است و این مقطع است که به شاخصی در تاریخ نفوذ آمریکا بدل می‌شود.

نمونه‌ای از پروسه نفوذ آمریکا، تلاش این کشور برای تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود. واشنگتن با تصویب این لایحه قصد داشت کاپیتولاسیون آمریکایی را شاخصی برای نفوذ سیاسی، نظامی و امنیتی در ایران عملیاتی کند.

به بیان دیگر کاپیتولاسیون آمریکایی [۲]، روایت، شاخصی است از تلاش آمریکا برای نفوذ سیاسی و امنیتی در ایران. سیاستی که سالها استراتژی استعمارگران اروپایی بود و در دوره رضا شاه در قالب تربیت دیکتاتوری نظامی وابسته جلوه کرد. دولتمردان آمریکایی با هوشمندی این استراتژی را وارد مرحله نوینی کردند و آن را یک مرحله به پیش بردند.

اما بایستی توجه شود که در مقابل پروسه نفوذ آمریکایی‌ها و در تاریخ نفوذ استعمارگران اروپایی جامعه ایرانی نه تنها بی‌تحرك نبوده، بلکه گاه‌ها با هوشیاری و غیرت در مقابل این دسیسه‌ها ایستاده است. حرکت حضرت امام خمینی(ره) در اعتراض به کاپیتولاسیون و انجمن‌های ایالتی و ولایتی مشت نمونه خرواری از این قیام‌هاست. اگر کاپیتولاسیون از طرف آمریکایی‌ها یک شاخص از نفوذ سیاسی و لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی یک خیز بزرگ برای تسخیر فرهنگ ایران است، حرکت حضرت امام(ره) شاخص تمام عیار غیرت جامعه ایران در مقابل پروسه نفوذ آمریکایی است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، غرب به رهبری آمریکا تمام تلاش خود را به کار گرفت تا با نفوذ در ایران نقشه‌های خود را عملیاتی کند. این پروسه گاه‌ها با شتاب و کندی همراه بوده است اما هیچ‌گاه متوقف نشده است. تلاش برای نفوذ در ایران، امروز نیز ادامه دارد؛ چرا که ذات نظام سرمایه‌داری و صهیونیستی وجود نظامی که تمام ماهیت آنها را به چالش کشیده را بر نمی‌تابد. بر همین اساس نفوذ بر جمهوری اسلامی در راس برنامه‌های آمریکا و حامیان آنها قرار گرفته و با وسعت بیشتر استمرار دارد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران به همراه کشورهای ترکیه، مصر و تایلند جزو نخستین جوامعی هستند که به مقابله با این خواست استعماری برخاسته‌اند.

نمونه اس کاپیتولاسیون آمریکایی نوین را می‌توان در افغانستان دید. معاهده نظامی(امنیتی) آمریکا با افغانستان که تکمیل‌کننده، پیمان استراژیک آمریکا و افغانستان است، دارای ابعاد متعددی است که شاخصه مهم آن ایجاد پایگاه‌های نظامی دائمی در شرق،

در صورت نهایی شدن این معاهده نظامی، اتباع نظامی آمریکا و به دنبال آن تمامی نظامیان این کشور با هر ملیتی که با نیروهای این کشور همکاری کنند، مشمول کاپیتولاسیون خواهند شد.

اگر چه اینطور تبلیغ می شود که حق کاپیتولاسیون مربوط به دوران استعمار است و در دوران استقلال دولت - کشورهای فعلی موجودیت ندارد، اما براساس قانون کنگره آمریکا، این کشور در هر کشور دیگری حضور پیدا کند باید حق قضاوت و محاکمه نیروهای خود در آن کشور را لحاظ کند.

آمریکا این خواسته استعماری را برای نیروهای خود در عراق نیز خواسته بود ولی هوشیاری علمای این کشور، مانع از تحقق این مطالبه استعماری شد. نوری المالکی نخست وزیر عراق در پاسخ به این درخواست آمریکا گفت که به هیچ وجه تجاوز به شرافت ملت عراق را نمی پذیرد و معتقد است دادن مصونیت به نیروهای آمریکایی، آنان را به ارتکاب چنین جنایتهایی ترغیب کرده و باید در این مصونیت تجدید نظر کرد. [۳]

علاوه بر افغانستان و عراق، ایالات متحده آمریکا به دنبال مصونیت نیروهای آمریکایی مستقر در پاکستان نیز بود که اسلام آباد با درخواست حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) مخالفت کرد. هر چند که در حال حاضر کاپیتولاسیون نانوشته و یک طرفه از طرف آمریکایی ها در این کشور اعمال می شود.

ریشه کاپیتولاسیون آمریکایی در فرهنگ برتری طلبی و سلطه جویی دولتمردان این کشور قرار دارد. شعار پذیرش همه ملیت ها یا نگاه فرا ملیتی، احترام به قومیت ها و مذاهب و پرهیز از نژاد پرستی شعارهای فریبنده ای است که دولتمردان این کشور سر می دهند اما دنیا را با شعار حمایت از حقوق بشر و مبارزه با تروریسم به منطقه نظامی و محل فروش تسلیحات نظامی خود تبدیل کرده اند. آمریکا با افول قدرت اروپای استعمارگر بعد از دو جنگ جهانی سربرآورد و تبدیل به ابر قدرت شد و پا جای پای آنها گذاشت. اگرچه شیوه سلطه گری آمریکا با روش اروپایی ها تفاوت هایی داشته اما استراتژی آنها یکسان بوده است.

تلاش برای نفوذ غرب و آمریکا در ایران، همواره یکی از نگرانی های مقام معظم رهبری بوده است. این نگرانی پس از جمع بندی مذاکرات هسته ای و با برخی تحرکات صورت گرفته از سوی آمریکا، بیش از پیش اهمیت پیدا کرد و رهبر معظم انقلاب آن را تهاجم نظامی و فرهنگی با هدف مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران بیان داشتند. با همین نگاه است که معظم له پس از ترسیم خطوط قرمز در موضوع هسته ای و عدم قابل اعتماد بودن آمریکایی ها، در نهایت در سخنرانی ۱۵ مهر خود بر ممنوعیت مذاکره با آمریکا غیر از موضوع هسته ای - اشاره کردند و فرمودند: "مذاکره با آمریکا یعنی راه را باز کردن که اینها بتوانند در زمینه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی کشور نفوذ کنند... دشمن برای نفوذ فرهنگی سعی می کند باورهایی که جامعه را سرپا نگه داشته دگرگون، مخدوش و در آنها رخنه ایجاد کند... برای نفوذ سیاسی سعی می کنند در مراکز تصمیم گیری و اگر نشد در مراکز

پی‌نوشتها:

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۷۶۴/راهبرد-آمریکا-را-هبرد-کاپیتولاسیون-ایران-آمریکا-راهبرد>